

حیات در مسکن ایرانی

فرناندینا (۱)

حیات در گذشته

نحوه زیست در گذشته بخصوص در مناطق گرمسیر کویر ایران پیرامون حیاط‌های محصور صورت میگرفته که «عرف یک زندگی در اصطلاح آن زمان اندرونی بوده و ایوانها و اطاقهای وابسته بآن بدور این حیاط حلقه میزدند .

حوض؛ حوضچه یا آب نما که وسیله یی برای شستشو بود بصورت یک عامل خنک کننده در شبهای گرم تابستان و آبیاری درختان یا گلها بکار میرفتند .

ایوانهای سرپوشیده اطراف حیاط در شبهای گرم جهت خوابیدن مورد استفاده قرار میگرفتند و در روز از تابش نور شدید آفتاب بدرون اطاقها جلوگیری مینمودند . عملکرد دیگر این ایوانها جلوگیری از ریزش برف یا باران و همچنین هوای سرد یا گرم بداخل فضاهای بسته بود . ایوانها در عمل

۱- استادیار دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

حیات در گذشته

تأثیر معماری غربی و تغییر مفهوم حیاط در ایران
بررسی موقعیت حیاط‌های جدید
ضوابط جدید حیاط‌های مسکونی شهر
آزادی در انتخاب موقعیت حیاط
موقعیت جدید سرسرا یا هال
بالکن‌ها
معیار زمان و مکان تحولات در ایران
بررسی اجمالی ساختمانهای مرتفع در معماری غربی
بررسی ها و تجربیات اخیر در زمینه های مسکن



دیدورودی منزل از کوچه

سنت‌های این مردم است از طرف دیگر میباشد .
 حیاط که در اینجا منظور همان فضای باز محصور
 میباشد نمایانگر میدان شهری است که با دیوارهای بلند محصور
 شده و در آن حکومت مستقلی برقرار است . ایوانهای اطراف
 همانند معابر شهر جوابگوی کلیه ارتباطات و مبادلات میباشند
 و دیوارهای حریم آن تاءمین‌دهنده حس امنیت بوده که بصورت
 یک تکیه‌گاه عمل میکند و بیاد آورنده این مثل معروف است :
 " چهار دیواری ، اختیاری " . این احساس در گذشته در بسیاری

مرکزهماهنگی مطالعات محیط زیست

راهروئی بودند که فضاهای بسته را بیکدیگر و حیاط مربوط
 میساختند ، درست مانند معابر سرپوشیده مساجد یا معابر عمومی
 شهری .

در این نوع معماری نمای خارجی بنا چندان مورد نظر
 نبود و چه بسا خانه‌ها پشت به پشت بیکدیگر متصل و تنه‌ادر
 ضلع کوچه‌های باریک شهر بصورت احجامی ظاهر میگردیدند
 که هر کدام بایک عنصر ساختمانی در حکم درب ورودی که در
 ضمن توصیف‌کننده شخصیت و معرف هریک از واحدهای مسکونی
 بودند نمایان میشدند . مصالح ، شیوه معماری و ارتفاع اغلب
 این خانه‌ها یکسان و هماهنگ بودند و تنها بوسیله بادگیر -
 سردر ورودی یا تعداد درختان بلند یک خانه میتوانستیم
 خصوصیات وضع مالی مالک آنرا حدس بزنیم . شهر نیز در کل
 دارای تراکمی نسبتاً " بالا ولی کم ارتفاع بود . وسائل حمل و
 نقل نیز نیازی بفضاهای بزرگ امروزی نداشت و در نتیجه به
 تراکم این بافت کمک بیشتر مینمود . واحدهای مسکونی که در
 بالا بدان اشاره شد تنها در ایران پدید نیامد - اینگونه
 واحدهای مسکونی البته نه در ترکیب بافت شهری بلکه در نحوه
 زیست مردم در بسیاری از کشورهای گرمسیر دیده میشوند .
 برای مثال میتوان شهرپیمی در جنوب ایتالیا را که آثار بعضی
 از خانه‌های آن هنوز پس از گذشت ۲۰۰۰ سال بچشم میخورد
 ذکر نمود .

هدف از این توضیح صرفاً " بخاطر اهمیت و ارزش
 حیاط که در واقع رکن اساسی یک واحد مسکونی بوده است و نقش
 موثر آن در زندگی مردم گذشته نمیباشد بلکه منظور پی بردن
 به اهمیت و ارزش فضای سرباز و مستقل در شرایط آب و هوایی
 چون ایران که در چهار ماه و در بعضی موارد ششماه از سال
 قابل استفاده است از یکطرف و نحوه زندگی در آن که نمایانگر

از تمدنهای دیگر نیز وجود داشته و از همه آشناتر این ضرب المثل انگلیسی زیر است " خانه من قلعه من است " .

تاء شیر معماری غربی و تغییر مفهوم حیاط در ایران

معماری وارداتی ما در اولین قدم بصورت خانه های تک عنصری مطرح شدند که حیاط یا فضای باز اختصاصی آن درست در جهت مخالف بدور واحد مسکونی حلقه میزدند و سپس حریم این فضاهای باز بوسیله دیوارهای بلند محصور میگشتند و در واقع معرف یک شیوه زندگی کاملا " متفاوت بوده است . همانطور که اشاره شد در سابق زندگی اندرونی مردم بر پایه سنت های خاص ، همبستگی اعضای یک خانواده ، وضع اقلیمی ، زیر بنای اقتصادی و عوامل مذهبی بوده است و حال اینکه شکل جدید شالوده فرهنگی کاملا " مغایر و اجتماعی برون گرا میباشد .

همزمان با بالا رفتن ارزش زمین بخصوص در مراکز جدید شهر قطعات ملک تدریجا " کوچکتر شدند بطوریکه ویلاهای وارداتی یا بهتر بگوئیم مسکن نوین فضای اطراف خود را از دست داد و در اندک زمانی همانند زنجیر بیکدیگر پیوسته و بصورت خطی توسعه یافت و به بافت امروزی اغلب شهرهای ایران بخصوص تهران مبدل گردید .

حیاط های این مسکن مشرف بجنوب بودند که درنیمی از موارد رو بخوابان و نیم دیگر پشت ساختمان قرار میگرفتند .

بررسی موقعیت حیاط های جدید :

حیاط هایی که پشت ساختمان قرار میگرفتند نسبتا "

محفوظ و در مواردی که ساختمانهای جنوبی شرقی و غربی آنها از منظر حیاط بر خوردار نبودند امکان استفاده آن بمراتب بالاتر و مفهوم آن قابل لمس تر برای ساکنین این مساکن جدید که تا دیروز در خانه هایی با حیاط های محصور زندگی میکردند بود .

حیاط هایی که مشرف بخوابان بودند در بدو امر با دیوارهای بلند محصور میشدند و سپس با درختکاری پشت این دیوارها حصار دومی را بوجود میآوردند و بدین ترتیب سعی میشد امنیت فضای سنتی خود را تاءمین کنند .

ورودی افراد و اتومبیل (یا وسیله نقلیه) باین خانه ها از سمت حیاط صورت میگرفت و در مواردی که فضای این حیاط ها کوچک بوده اند نمیتوانستند بسادگی ارتباط آنرا از فضای خیابان مانند هشتی های ورودی سابق خصوصا " در مورد وسیله نقلیه جدید قطع یا بر قرار نمایند و ناچارا " از امتیازات حیاط بصورت گذشته محروم مانده و تنها به تراسها و ایوانهای جلوی ساختمان اکتفا نمودند و میتوان اضافه کرد که مابقی فضای باز حیاط صرفا " منظری بود که بآن چشم میدوختند .

ضوابط جدید حیاط های مسکونی شهر :

همزمان با تدوین قوانین شهرداری مبنی بر نرده کشی بجای دیوارکشی بدور فضاهای باز آن دسته از مساکنی که در رابطه مستقیم با خیابانهای شهری هستند باین منظور که فضاهای سبز اختصاصی در معرض دید عموم نیز قرار گیرد مشاهده شد که چگونه استفاده از ایوانها و تراسهای جلوی ساختمان نیز از بین رفتند و ساکنین این منازل بداخل فضای بسته خانه های خود پناه بردند .

نسبت به فضای باز اطرافش بی قواره و غریب می باشد .



جزئیات ورودی و هشتی و دید ضلعی از حیاط

آزادی در انتخاب موقعیت حیاط :

برای معماران این سؤال پیش می آید که ضوابط و مقررات ساختمانی بر چه مبنا و اصولی تا این حد در مورد نحوه اشغال زمین پافشاری مینماید . آیا شایسته نبود که این مقررات

مرکزهماهنگی مطالعات محیط زیست

در اینجا لازم است بیک نکته جالب اشاره شود که مقررات ساختمانی شهرداری که از طرح جامع تهران پیروی مینماید نحوه استفاده از زمین را صریحا " مشخص نموده بدین معنی که مثلا " در بسیاری از موارد شهری اجازه اشغال زمین بوسیله ساختمان ۶۰٪ است و ۴۰٪ دیگر جهت فضای باز (حیاط) پیش بینی شده است . اما این اصل بهمین جا خاتمه نمی آید و چنانچه طرحی ارائه شود که ساختمان تا انتهای زمین ادامه داشته باشد و فضای باز در داخل آن قرار گیرد و همان ضابطه ۶۰٪ و ۴۰٪ رعایت گردد مورد موافقت قرار نگرفته و مردود شناخته خواهد شد در صورتیکه هیچیک از ساکنین همجوار زمین مورد نظر حق استفاده از نور، دید و منظر فضای باز ملک مجاور را ندارند .

از نظر شهری ظاهرا " بنظر میرسد که در طرح جامع به شبکه بندی خیابانها و توسعه آن ، استفاده از زمین و نحوه تراکم در بافت شهری باندازه کافی توجه شده است (در حالیکه در مورد تراکم این سؤال پیش می آید که طرح اصولا " در دو بعد عرضه شده است) .

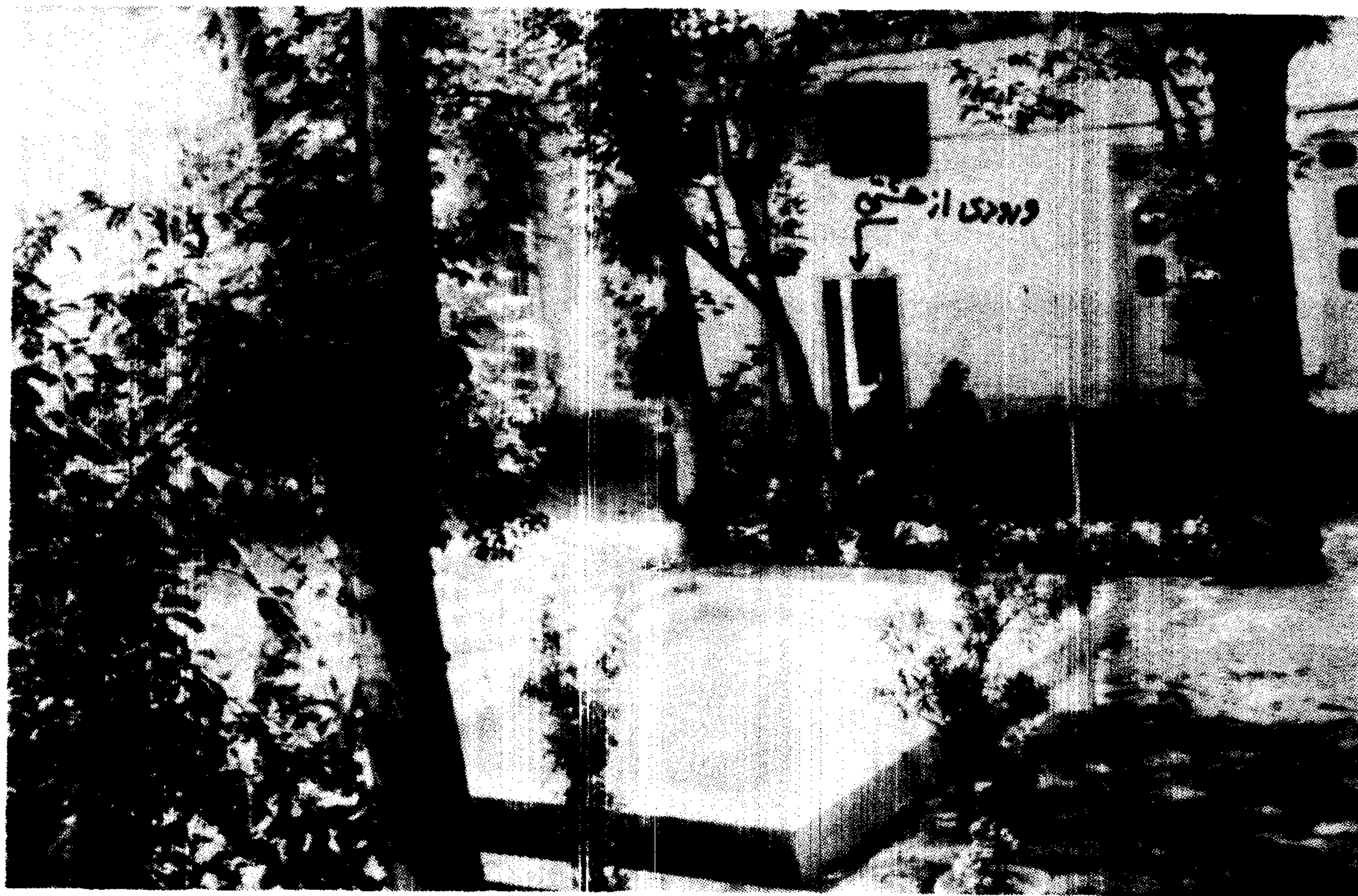
در سیمای بناهای شهر و نظم آن کوچکترین اثری از هماهنگی دیده نمیشود و بعکس هرکس میکوشد تا ساختمان خود را بیشتر بمعرض نمایش گذاشته بطوریکه نتیجه این خود نمائی ها زننده و مغایر با شیوه هم شهریگری شده است .

مسئله دیگر عدم تناسب احجام ساختمانهای موجود شهر با فضای باز اطراف آن است . ساختمان مسکونی به سبک نئوکلاسیک با حجمی نسبتا " سنگین می بینیم که حیاطی بسیار کوچک و مشرف بخیابانی کم عرض است و یا مثلا " ساختمان ۸ طبقه ئسی که در کوچه ئسی ۸ متری قرار گرفته و نور و دید حیاط ساختمان سمت شمالی خود را گرفته ضمن اینکه حجم ساختمان

صرفاً "روی تناسبات اشغال ساختمان و فضای باز" که باید جمله فضای سبز نیز بآن اضافه شود)، ارتفاع ساختمان، تاءمیین تجهیزات و سرویسها، پارکینگ و غیره تکیه مینمود و معماری را بعهدہ طراحان میگذاشتند.

در جواب این سؤال که نظام کنونی شهر بهم خواهد خورد باید گفت که شهر تهران دارای هیچگونه نظامی نبوده بلکه این آزادی در نحوه اشغال زمین با رعایت مقرارت مربوط به تناسبات شهری بطراحان این امکان را میدهد که فضاہای مسکونی را به شیوہ زندگی و نحوه زیست افراد نزدیک تر

طرح نمایند. در خاتمہ ناگفته نماند کہ مفهوم از آزادی در انتخاب موقعیت حیاط بدین معنی نیست کہ هر کس در اجرای آنچه مایل است مجاز میباشد، بلکه منظور در اینست کہ طراح با رعایت ضوابط نور آفتاب هوا، منظر، جهت با دو خصوصیات زمین حجم ساختمان خود را در رابطہ با فضای باز عمومی و اختصاصی طوری طرح نماید کہ در کل با مقررات شهری مبنی بر رعایت تناسب ساختمان نسبت به فضای حیاط، تراکم ساختمان و سایر مشخصات مغایرت نداشته باشد.



حیاط سنتی و آب نما یا حوض

موقعیت جدید سرسرا یا هال :

هنگامیکه مردم به فضای بسته داخل خانه ها پناه بردند مشاهده میشود که اولین عنصری که جانشین فضای حیاط میگردد سرسرا یا هال ورودی ساختمان است زیرا تنها نقطه عطف ارتباطات و حرکتهای ساکنین این گروه از خانه های جدید بشمار میرود .

بعبارت دیگر محل تقسیم حرکتهای به فضاهای روز و شب ، سرویسهای چون آشپزخانه ، حمام ، ورودی و غیره میباشد و در عمل می بینیم که مورد استفاده این فضا از نشیمن منزل بمراتب بیشتر میباشد و شاید بهمین علت است که فضاهای این سرسراها اغلب بزرگ و در بعضی از موارد از فضای نهارخوری نیز بزرگتر میباشد .

بالکن ها :

رونق آپارتمان سازی در معماری مسکن شهری در ایران عنصر جدیدی را معرفی نمود که بصورت بالکن ها ظاهر شدند و در واقع جانشین فضای باز اختصاصی گردیدند . ناگفته نماند که ایوانهای سرپوشیده گذشته چه در دوران صفویه و چه قبل از ظهور معماری جدید در مسکن ایرانی وجود داشته ولی همیشه در رابطه با چند فضای بسته اطراف خود ، محفوظ از دیدعام و مشرف به فضای باز بوده است و سعت این ایوانها طوری بوده که تجمع گروهی را جهت صرف چای ، کشیدن قلیان و غیره بپذیرد در حالیکه عمق و عرض بالکنهای جدید اغلب کوچک بطوریکه استفاده از آن برای یک گروه چند نفری میسر نبوده و چون اصولاً " در معرض دید عموم قرار میگرفتند مورد استفاده

خود را از دست داده است . در عمل می بینیم که این بالکنها هنگامیکه در سمت شمال قرار میگیرند کمتر مورد استفاده اند و اغلب بصورت انباری در فضای باز تبدیل میگرددند و هنگامیکه سمت جنوب قرار میگیرند بصورت محلی برای خشک کردن لباس بکار میروند و در جمع چه بسا منظره ئی ناخوشایند به سیمای شهر می بخشد .

در خاتمه اضافه مینمایم که قبل از مقررات جدید شهری ، ساختمان ها میتوانستند بالکنهای خود را تا روی پیاده روها ادامه داده و در عمل سایبانی برای عابرین بوجود آورند . تصرف قسمتی از فضای شهری تا زمانیکه بنفع عموم است و برنامه دیگر موجود نیست نمیتواند بخودی خود نفی گردد اما چون این کار منجر به استفاده های غیرقانونی از سطوح بالکنها گردید و بعبارت دیگر سوءاستفاده ها و تقلبهای بی جا بخصوص که نحوه دفع آب سطح اغلب این بالکنها طوری بوده که از هر لحاظ ایجاد مزاحمت می نمود ، لذا می توان گفت که حذف بالکن تا حدودی عملی مثبت بوده است .

معیار زمان و مکان تحولات در ایران

نکته ئی که باید در مورد این سیر تحولات و تغییرات مسکن شهری گفته شود مسئله زمان آن است یعنی فاصله زمانی که کلیه تحولات نامبرده بوقوع پیوست بیش از ۳۰ الی ۵۰ سال نبوده است .

بنابراین میتوان گفت که نحوه زیست در اندک زمانی یعنی یک نسل دگرگون شد و چه بسا اغلب ساکنین خانه های جدید هنوز دوران گذشته و زندگی خود را در حیاطهای محصور بیاد دارند و در بعضی موارد فرزندان این افراد هنوز با مرکزها هنگی مطالعات محیط زیست



جزئیات حوض و یکی از مواعد استفاده آن

بعبارت دیگر ساکنین خانه‌های جدید تا ۲۰ سال پیش در خانه‌های سنتی زندگی میکردند و در محیط جدید (پایتخت) نه تنها با خصوصیات جدید شهری مواجه شدند بلکه شیوه زندگی کاملاً " غریبی را در محیط شخصی خود نیز تجربه میکردند .

همبستگی های اعضای یک خانواده - ارتباطات و مبادلات فکری آنها که در اوقات فراغت در یک حیاط مشترک صورت میگرفت جای خود را به نحوه زندگی منفک در واحدهای مستقل که چه بسا فاقد فضای باز و مزاحمت‌های ناشی از آن بود

آموزش گذشته در فضاهای جدید زندگی میکنند .

مسئله دوم مکان این تغییر است که در وحله اول پایتخت یعنی تهران را باید نامبرد و سپس شهرهای بزرگ چون تبریز - رشت - اصفهان - شیراز و تا حدودی مشهد . همانطور که ملاحظه میشود تنها پایتخت و چند شهر بزرگ ایران آنهم در معیار کمتری که در جمع هنوز قشر کوچکی از جمعیت کشور را تشکیل میدادند تن بدین تحول جدید دادند .

نکته قابل توجه توسعه سریع تهران در ۲۰ سال اخیر که با هجوم مهاجرین شهرستانها و روستاها صورت گرفت یسا

بدیهی است که یک مردم شناس یا جامعه شناس بهتر میتواند بطور علمی تاءثیر این دگرگونی ها را در مورد محیط جدید این افراد بررسی و تجزیه و تحلیل نماید ولی آنچه که مسلم است مسکن جدید که فاقد حیات مستقل بود نوعی عدم تاءمین و همبستگی در ساکنین آن بوجود آورده بطوریکه تاءثیر آن در زندگی اجتماعی آنان نیز مستتر گردید .

مفهوم ، چهاردیواری - اختیاری ، معنی خود را از دست داده و به فضای یک اطاق بسته مربوط میشود و نه خانه ئی که دور حیاطی حلقه زده باشد .

بررسی اجمالی ساختمانهای مرتفع در معماری غربی :

دو جنگ جهانی و نیازهای فوری بعد از آن تجربه ئی بسیار تلخ و گران در طراحی مسکن و شهرسازی بوده اند . تجربیات بعد از جنگها همراه با توسعه تکنولوژی و نیازهای مردم بقدری سریع پیش رفت که فرصت تعمق و بررسی عینی در نحوه زیست با افراد نداد . عقاید گذشته مانند طراحی مسکن بسبک " شهرهای باغی " (۱) که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان در نتیجه عکس العمل ناشی از تحولات انقلاب صنعتی پدید آمده بود کم کم بدست فراموشی سپرده شد .

آپارتمان سازی در مقیاسهای کلان در کشورهای غربی کمونیستی و یا کشورهای در حال توسعه نتوانستند جانشین محتوای زندگی که در خانه های کم ارتفاع و معابر آن بوقوع می پیوست بشوند .

1. Garden Cities

فلسفه ها و روشهای بسیاری عرضه و تجربه شدند ولی هرگز موفق به جبران کم بودها و خلاءها نشدند . زمان ایمن تغییرات بسیار اندک و در بعضی از موارد کمتر از ۳۰ سال بوده است . در سال ۱۸۸۸ ساختمان سالن اجتماعات (۲) شیکاگو که مجموعه ای از سالن اپرا - اداری و هتل بود باده طبقه بلندترین ساختمان وقت بود . در سال ۱۹۱۳ ساختمان وولورث (۳) بعنوان بلندترین ساختمان با پنجاه و دو طبقه در شهر نیویورک نمایان شد و در سال ۱۹۳۲ ساختمان امپایراستیت (۴) با هشتاد و پنج طبقه بعنوان مرتفع ترین ساختمان جهان و در اواخر سال ۱۹۳۹ مرکز راکفلر با ۱۴ ساختمانهای مرتفع آن از ۷۰ الی ۳۶ طبقه تکمیل شدند بطوریکه سیمای شهر نیویورک را بکلی دگرگون ساختند .

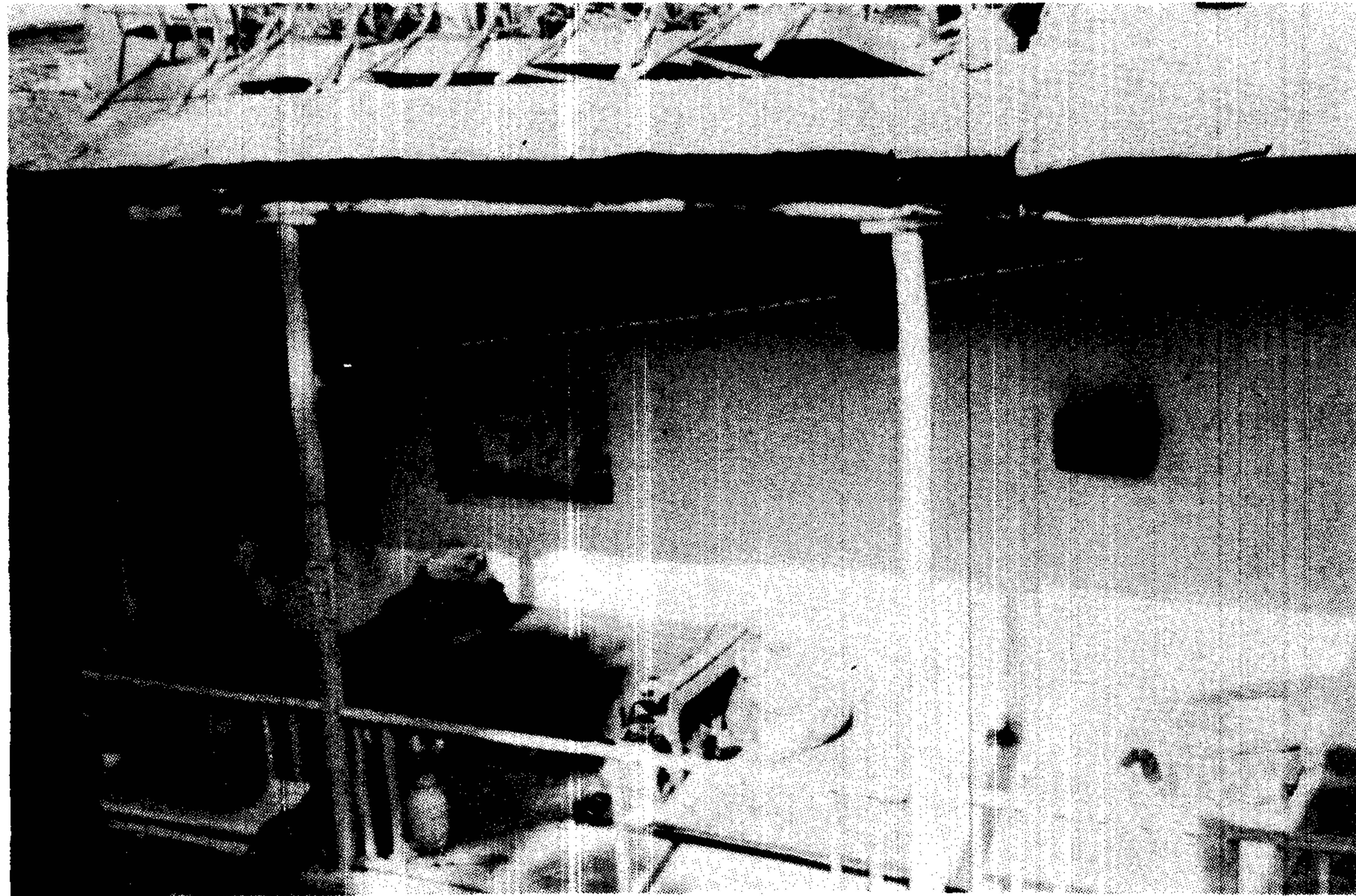
دوران ساختمانهای بلند ارتفاع بدون در نظر گرفتن فضای باز متناسب با آن فرار سید و سایر کشورهای غربی و جهان به تقلید از آمریکا در این مسیر فکری گام می نهادند . در اینجا به چند نکته لازم است اشاره شود . طبق آماری که پلیس آمریکا در چند سال اخیر تهیه و توسط جامعه شناسان مطالعه شده نشان میدهد که میزان و درصد جنایات در محله ها و شهرهایی که ساختمانهای بلند دارند بمراتب بالاتر از شهرهای همتا ولی کم ارتفاع بوده است . مقیاسهای انسانی نه تنها دگرگون شده اند بلکه انسان در مقایسه با آن حقیر و ناچیز شده است .

محل زیست که سابقا " معرف موقعیت و شخصیت افراد

2. Auditorium Building

3. Woolworth Building

4. Empire State Building



ایوان عریض و مورد استفاده آن

عمیقی بروی معماران و شهرسازان جهان باقی گذاشت . هنوز عواقب چنین مجموعه هائی مورد بررسی بسیاری از معماران است ، حتی کتاب این معمار بنام منشور آتن^(۱) که مربوط به اصول شهرسازی است در بسیاری از موارد مشکلات فراوانی را بوجود آورده . مثلاً " در نتیجه پیروی از اصول همین کتاب در شهر

بود سیمای به تفاوتی گرفتند . برای مثال اگر آدرس خیابان پنجم ساختمان دوم با در سبز رنگ بود ، اکنون جای خود را به آپارتمان بلوک ۱۳۷ طبقه ۲۴ ضلع جنوبی - پنجره چهارم از راست داده است .

در سال ۱۹۴۶ لوکوربوزیه مردی که در زمینه های معماری و شهرسازی مطالعات زیادی داشته بالاخره یکی از آرزوهای دیرین خود را بمرحله عمل گذاشت ، بدین معنی که شهرک یادهکده ئی را در یک بلوک ساختمانی بنام هابیتاسیون ماری در فضائی سبز و باز پیاده نمود که برای سالهای سال اثر

1. Chart d athene

(ترجمه فارسی این کتاب توسط دانشگاه تهران در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی انتشار یافته است) .



تصنعی برزیلیا که با همکاری چند معمار بزرگ منجمله خود لوکوربوزیه طرح گردید می بینیم که چگونه مواجه با شکست شده است. خیابانهای وسیع - فضاها بزرگ - پارکها و آسمانخراشهایی که در میان این پارکها دیده میشوند، منطقه بندی شهر و غیره هیچیک نه در مقیاس و نه در احساس به غریزه های مردم آن منطقه نزدیک نشده اند. کافیتست به اطلسی مراجعه شود تا موقعیت سیاسی شهر برزیلیا مفهوم گردد که چرا دولت برزیل میخواست بهر قیمت که شده در قسمت مرکزی کشورش شهری بوجود آورد و آنرا پایتخت خود قرار دهد با این تفاوت که با تکنولوژی زمان برای بوجود آوردن شهری جدید در مرحله اول نیاز به یک زیر بنای اقتصادی است و سپس باید مسائلی که بتواند جوابگوی نیازها و امکانات مردم مهاجر باشد بررسی و طرح شوند. برزیلیا نتوانست اعتقاد و اطمینانی که باید در محیط شهر جدید باشد در مهاجرین بوجود آورد و نیازهای معنوی و اجتماعی آنان را تاءمین نماید. بعبارت دیگر نمیتوان الگوئی برای مسکن و محیط زیست در سطح بین المللی بوجود آورد که جوابگوی تمام خصوصیات و ارزش های مردم یک منطقه با موقعیتهای آن باشد.

ایوان کم عرض بصورت گذرگاه سرپوشیده و آفتابگیر.

مسیری است که سیاستمداران در شکل دادن به شهرها تحمیل میکنند. بنا بگفته معمار کانادائی موشه سفدی معماران امروز حالت دلکی را پیدا کرده اند که وسط برنامه ای بروی صحنه میآیند و هنوز گرم کار نشده از صحنه خارجشان میکنند، البته این گله مربوط به نقش آرشیوتکت میباشد اما نارضایتی اصلی از مسیر معماری و شهرسازی و بخصوص در مورد مسکن است که از

بررسی ها و تجربیات اخیر در زمینه های مسکن :
معماری غرب امروز در جستجوی عوامل انسانی و بررسی ارزشهای گذشته است. دیگر شهرهای مرتفع و تراکم بالا هدف شهرسازان و سیاستمداران نیستند.

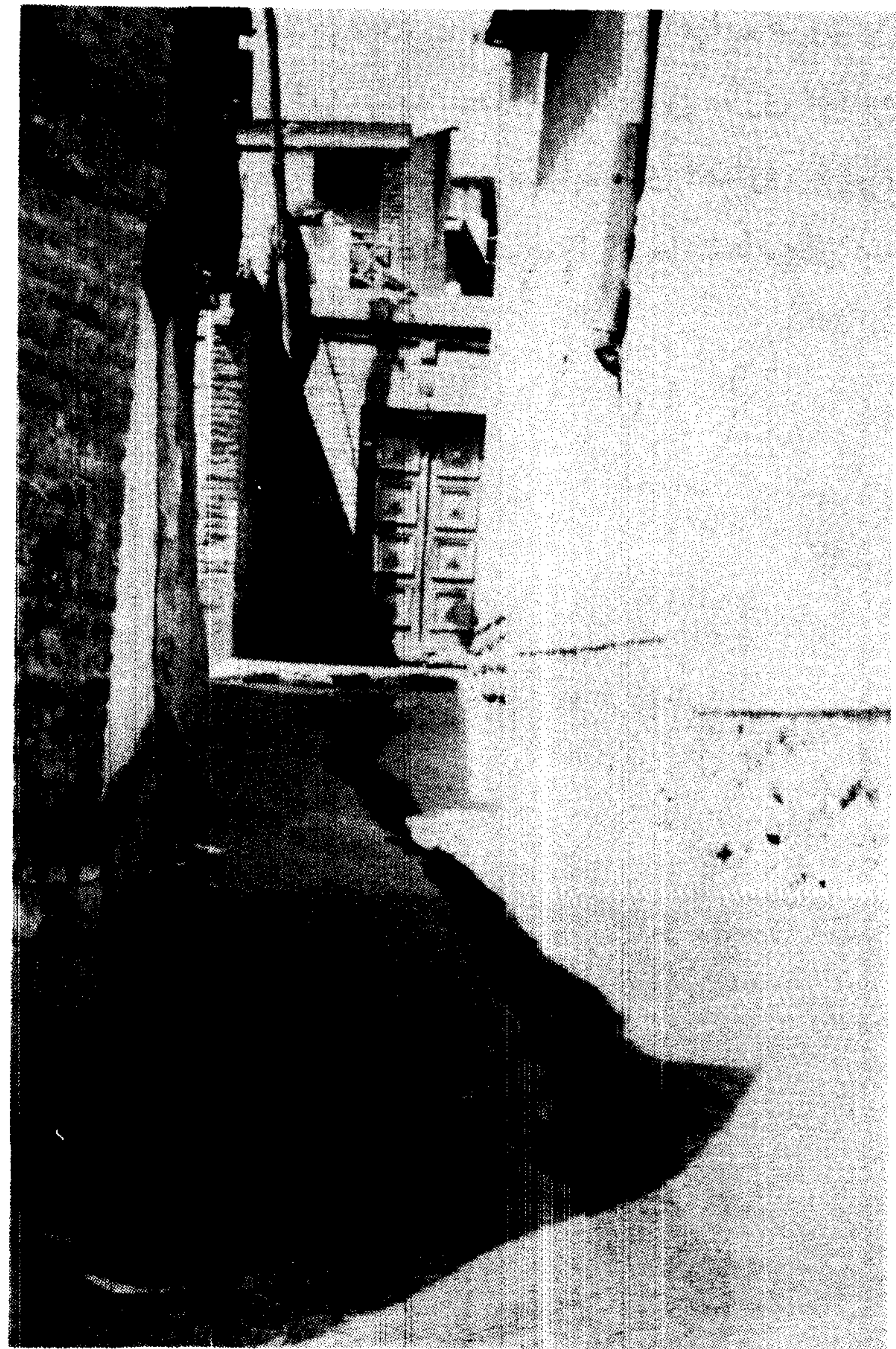
آنچه که از نتایج سخنرانیها و بحث های دو کنگره معماری که در اصفهان در سال ۱۳۴۹ (۲۵۲۹) و در شیراز در سال ۱۳۵۳ (۲۵۳۳) تشکیل شد استنباط میشود نارضایتی از

هدف اصلی خود دور شده و وسیله دست سوداگران و سرمایه داران گشته است و دیگر نیازهای فردی و اجتماعی مورد توجه نمیباشد.

درباره مسکن و فضاهای باز اختصاص داد. قطعنامه این کنگره متکی بر دو اصل بود اول اینکه در طراحی مسکن میتوان با ارتفاع کم تراکمی بالا بوجود آورد، بعبارت دیگر اجتناب از طراحی آپارتمان سازی مرتفع و رسیدن به مقیاسهای انسانی و دیگر تاءمین فضاهای باز اختصاصی در طراحی مسکن بعبارت دیگر حیاط یا فضای باز همانقدر حائز اهمیت است که مثلا "اطاق نهارخوری یا نشیمن".

تجربیات مختصری که در ۱۰ سال اخیر در زمینه های تاءمین نکات فوق شده نشان میدهد که از اوائل ۱۹۶۰ تلاشهایی در این جهت پدید آمده که بارزترین آنها مجموعه مسکونی است که توسط آتلیه پنج در سال ۱۹۶۲ در حومه شهر برن در سوئیس ساخته شده - مجموعه هابیتادر مونترال در سال ۱۹۶۷ مجموعه مسکونی هومادن در اشتوتگارت در سال ۱۹۷۲ و چندین نمونه های دیگر که معمارانی چون موشه سفدی در اسرائیل یا گاندایس در کشورهای خاور میانه طراحی نموده اند. بطور کلی در طراحی جدید مسکن سعی میشود که از ارتفاع زیاد پرهیز نمایند تا بدین ترتیب نیاز کمتری بوسائل مکانیکی مانند آسانسور و غیره باشد - ضمنا "خط افق پائین (۱) بازدهی نور بیشتر - هوای تمیزتر - دید بازتری و ناگفته نماند محیط زیست بهتری دارد.

واحدهای مسکونی بصورت مجموعه ای نسبتا "باز (۲) در نظر گرفته میشوند تا از نظر اقتصادی و بخصوص سرویس رسانی مقرون بصرفه باشد و بالاخره برای هر یک از واحدهای مسکونی فضای باز اختصاصی (حیاط) تاءمین میگردد. در



مسیر کوچه های باریک و نحوه قرار گیری ورودیها

کنگره بین المللی معماران که در تابستان ۱۹۷۶ در وانکوور کانادا تشکیل شد موضوع سخنرانیهای خود را صرفا

1. Low skyline

2. Cluster

که ازدید همسایه های ساکن در طبقه های مشرف (شرق و غرب و بالا) مصون بوده و در بسیاری از موارد که ترتیب قرارگیری اطاقهای آپارتمان مشرف به حیاط میباشند ، عامل نور دهنده فضای سر پوشیده (پنجره و درب) در جهت نور آفتاب جنوب یا شرقی تعبیه می گردد . اگر این رویه بجای آپارتمان سازی موجود در مقیاس شهری توسعه پیدا کند نه تنها سیمای معماری تهران را بهبود می بخشد بلکه کمبودهای حیاط را در ساختمانهای مسکونی امروزی جبران خواهد نمود .

اغلب طرحهای انجام شده این کار با استفاده از بام طبقه زیرین صورت میگیرد . یعنی بالغزاندن طبقات بر رویهم و استفاده از سطح بامی که نور آفتاب جنوب مشرف به آن باشد بعنوان حیاط طبقات بالا استفاده میشود . نکته دیگری که قابل ملاحظه است فضای باز اختصاصی همیشه در رابطه با فضای بسته عمومی مانند اطاق نشیمن یا ناهار خوری و دسترسی نزدیک به آشپزخانه در نظر گرفته شده است و بدین ترتیب مورد استفاده آن عمومی ، منطقی و ساده تر است .

ساختن حیاطهای روی بام را به نحوی طراحی می کنند

